


## وب سایت استاد موسوی

	تاریخ روز : ۰۶ / ۰۹ / ۱۳۹۸	تاریخ ثبت : ۳۰ خرداد ۱۳۹۵	عنوان : در پی غایت وجودی انسان
---	----------------------------	---------------------------	--------------------------------

«بسمه تعالی»

### در پی غایت وجودی انسان

گاه که در خلوت به غایت وجود و هستی نوع انسان می اندیشیم، با وجود آن که صاحب نظران در این وادی بسیار سخن گفته اند، بین خود و حقیقت فرسنگ ها فاصله می بینیم و آئینه دل خود را پرزنگار؛ به راستی بشر امروز تا چه حد غایت خود را گم کرده و هر روز به نوعی در رسیدن به مطلوب سرگردان است! در همین میان، به ناگاه مرغ دل به آستان قدسی استاد به تضرع آمد که «چه باشد اگر این زنگ از آئینه دل ما بزدايي و حق را در مرآت حقیقت بنمایی و از شجره علم خود در این وادی شهدی بخشی؟» در لحظه یافتن خوان افضال او همواره نهاده و در عالم دل جای هیچ منت نیست. لذا از ما بیان و از شما توجه، باشد در میان هیاهوی این عالم چند لحظه ای تأمل مؤثر باشد.

گویند بشر چیزی جز عمل به خواسته های خود نیست و این مطلب دلیل آن است که انسان در زندگی آزاد و مختار است. پس من و تو تجسم خواسته ها و اراده هایمان هستیم. در واقع، ماهیت هر انسان همان چیزی است که می خواهد.

در همین جا تأملی لازم است که آیا انسان به واقع آزاد است؛ یا فقط با لفظ آزادی و مختاری بودن خود را سرگرم کرده است؟ آیا تاکنون از خود پرسیده ایم که خواسته هایمان به واقع جوشش درون خود ماست یا از خارج بر ما تزریق می شود؟ به راستی، آن بینشی که میان بشریت وجود دارد و او به عنوان فرهنگ و عرف جامعه با آن خو گرفته، از چه نوع بینشی است و چه کسی یا مکتبی پایه گذار آن است؟ اینکه یک صفت را عالی و دیگری را دانی می داند؛ یک شغل را خوب و دیگری را پست می شمارد؛ پوششی را در یک دوران زیبا و در دوران دیگر نازیبا می داند و تمام آنچه بشر را همچون رقاصی ناموزون ساخته است که هر روز رنگی و شیوه ای را برای خود انتخاب می کند به راستی منشأ این تغیر حالات و شیوه های انسان از کجاست؟

ژان پل سارتر (1905-1980م) اگزیستانسیالیست، در کتاب «اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر» گوید: «بشر مسئول وجود خودش است(1)». اما باید از او پرسید چگونه و در چه زمان و مکانی؟ این در حالی است که ما حتی میل و خواسته هایمان را هم از جای دیگر گرفته ایم ولی آیا مأمنی که این شیوه را بر جان انسان فرو ریخته بر حق است یا با غرض ورزی این ترفند را پیاده نموده و بشر را همچون حیواناتی مطیع و رام خود ساخته که هرچند از تشنگی و سرگردانی آنها برای رسیدن به آب حقیقت آگاهند، اما گاهی آب شیرین به آنها به عنوان اصل معرفی شده، گاهی آب شور و بعضاً لجن...

بر همین اساس است که اکثر دانشمندان و محققان بر این باورند که با وجود اینکه تکنولوژی با سیستم ماشینیزم نو و تازه می گردد، غایت های حقیقی درونی انسان همچنان فقیر و بدبخت اند و جرئت نمود و شکوفایی ندارند. ویل دورانت نیز در کتاب «لذات فلسفه» گوید: علم ترقی کرده، اما اخلاق و انسانیت نه تنها ترقی نکرده بلکه تنزل نیز یافته است. در واقع، علت این عدم پیشرفت همان است که انسان یا به غایت واقعی خود توجه ننموده یا آنچه را طالب است، جرئت بروز و آشکارشدنش را نداشته است لذا تا تفکر انسان آزاد نباشد و آبی که میل و خواسته او را سیراب می کند از مکتب وحی سرچشمه نگرفته باشد، در راه یافتن غایت وجودی خود سرگردان خواهد بود.

پس بدانیم خروج از بیت حیوانیت و رسیدن به شهر انسانیت با علم صرف بدون نور «دین»، «عرفان» و «عشق واقعی» لایمکن است و نمی توان به غایت درونی و فلسفه این آفرینش رسید. شرح این ماجرا بگذار تا وقتی دگر!...

1- ژان پل سارتر، اگزیتانیسم و اصالت بشر، ص 25.

منبع: تحقیقات دانشمند معظم، فیلسوف متأله استاد موسوی ذیل تدریس جلد نهم اسفار ملاصدرا(اعلی...مقامه)، رساله مقامات و منازل انسان (مرحله 13)؛ بخشی از درس کفایة الاصول مرحوم شیخ محمدکاظم خراسانی(اعلی...مقامه) و اشراق اول سری رساله های نفس (ذیل تدریس جلد هشتم اسفار).